



آیا خصوصی سازی فساد اداری را کاهش می دهد؟

زینت شکری و منصور خیرگو- دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

فساد اداری در جوامع بشری قدمتی به اندازه تمدن دارد و پدیده‌ای جهانی است که نظام اداری هر کشور به خصوص کشورهای در حال توسعه کم و بیش به آن دچار است. صدمه‌ای که فساد اداری به جامعه می‌زند به زمان نسل آینده نیز منتقل می‌گردد و در واقع عواملی در ترویج فساد پایدارند، اسباب ناتوانی و ناکارآمدی دولت‌ها را فراهم می‌سازند، اما نوع، شکل، میزان و گستردگی فساد اداری از کشور به کشور دیگر متفاوت است. کما اینکه نتایج و پیامدهای فساد نیز بنا بر نوع اقتصاد و سطح توسعه یافتگی تفاوت دارد. اندیشمندان روش‌های مختلفی برای مبارزه با فساد ارائه کرده‌اند. یکی از این روش‌ها خصوصی سازی و کاستن از حجم تصدی گری دولت و معقول کردن میزان دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی است. در این مقاله تلاش شده است تعریف عمومی از فساد در بخش اداری و هم چنین انواع فساد و پیامدهای ناشی از فساد ارائه گردد و هم چنین استدلال می‌شود که خصوصی سازی می‌تواند در کنترل و جلوگیری از فساد اداری مؤثر باشد.

۱- مقدمه

فساد اداری یکی از بیماری‌های مزمن و در واقع کهنه‌ترین جراحی نظام اداری تلقی می‌شود، چرا که پدیده‌ای همزاد دولت است یعنی از هنگامی که فعالیت‌های بشر شکل سازمان یافته به خود گرفتند، فساد اداری نیز در نتیجه تعاملات درونی و تعامل با محیط، از متن سازمان ظهور کرد. فساد پدیده‌ای جهانی است که همه کشورهای جهان - از کشورهای پیشرفته تا در حال توسعه - به آن دچارند و تا حد زیادی متأثر از نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی است و متقابلاً بر مشروعیت نظام سیاسی، کارایی نظام اداری و مطلوبیت نظام اجتماعی ضربات مهلکی وارد می‌آورد. مطالعات متعددی که در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته نشان داده‌اند که اولاً فساد اداری به طور گسترده در اکثر کشورها به خصوص در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، ثانیاً این پدیده نه تنها از نقص عدالت اداری و تضييع حقوق شهروندی بلکه از نظر اقتصادی نیز برای جوامع بسیار زبان بار است و ثالثاً بر خلاف تصور بسیاری از افراد

که فساد اداری را امری اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کنند، روش‌های موثری برای مهار آن وجود دارد. فساد ریشه‌ها و دلایل بسیاری دارد اما عمده‌ترین و شاخص‌ترین علت، ناکارآمدی حکومت است. در کشورهای در حال توسعه دولت‌ها مسئولیت‌ها و وظایف گسترده‌ای بر عهده دارند و دامنه فعالیت‌های دولت به مراتب گسترده‌تر از کشورهای پیشرفته و صنعتی است. مهمترین رسالت دولت برقراری نظم و امنیت در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه می‌باشد. چنان چه دولت تصدی‌گری امور اقتصادی را هم خود شخصاً بر عهده گیرد می‌تواند مشکلات فراوانی را به ساختار اقتصادی جامعه وارد سازد و از وظیفه اصلی خود باز می‌ماند. تجربه کشورهای سوسیالیستی و حکومت‌های خودکامه جهان سوم موید همین نکته است که رابطه مستقیمی بین میزان مداخله دولت در امور اقتصادی و شدت گسترش فساد اداری وجود دارد.

مداخله بیش از حد دولت در اقتصاد، نظام اداری نامناسب، پیچیده و دارای بوروکراسی زائد، انحصارات

دولتی و خصوصی، گسترش رانت‌خواری، تخصیص غیر هدفمند یارانه‌ها، عدم پاسخگویی دولت، سیاستمداران و سازمان‌های دولتی به جامعه، توزیع ناعادلانه درآمد و ناکافی بودن حقوق مستخدمین دولت، قوانین غیرشفاف و دست و پاگیر... منجر به رواج فساد در جامعه می‌گردد. برای کشورهایی که در جهت توسعه پایدار حرکت می‌کنند - به خصوص کشورهای در حال توسعه - ضرورت دارد که عاری از هر گونه فسادی در مسیر توسعه گام بردارند زیرا ماهیت ضد توسعه‌های فساد باعث تاراج اتلاف و تخصیص غیربهرینه منابع محدود می‌شود. بنابراین با پذیرفتن سه واقعیت (۱) فراگیر بودن (۲) زیانبار بودن (۳) قابل کنترل بودن فساد اداری، کشورهای در حال توسعه ملزم خواهند شد که برای کاستن از قلمرو فساد و زیان‌های آن به اقدامات جدی‌تر و اصولی‌تری روی بیاورند. یکی از اقدامات مؤثر برای کاهش فساد اداری، انتخاب استراتژی خصوصی سازی و کاستن از دامنه دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی است. اقدام برای کنترل و مهار فساد اداری، مستلزم شناخت

علمی ماهیت علل و پیامدهای آن است. بدین منظور در این مقاله مفهوم، علل پیدایش و گسترش فساد اداری و پیامدهای آن و هم چنین خصوصی سازی به عنوان راهبردی برای کاهش دامنه فساد اداری بررسی می‌گردد.

۲- تعریف فساد

فساد پدیده‌ای است جهانی و هیچ جامعه‌ای، تحت هیچ نظامی نمی‌تواند از فساد و پیامدهای آن ایمن باشد غالباً در نتیجه فساد چیزی نقض می‌شود. این چیز ممکن است یک اصل، رویه یا شیوه اخلاقی یا قانونی یا مقررات اداری باشد. تعاریف متعددی از فساد ارائه شده و وجه مشترک همه این تعاریف آن است که در محیط فساد، حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نادیده گرفته می‌شود و یا حق مسلم فرد و یا گروهی به آسانی پامال یا به ناحق به دیگری یا دیگران واگذار می‌شود. اما به طور کلی فساد، اشاره به تشویق به خطاکاری افراد از طریق پرداخت رشوه یا دیگر ابزار غیرقانونی یا نادرست دارد. فساد را می‌توان

به چند نوع تقسیم نمود عمده‌ترین اقسام آن عبارتند از: فساد سیاسی، فساد قانونی، فساد اداری و فساد اقتصادی که هر چهار مورد فوق نتیجه تعاملات میان سیاستمداران، بوروکراتها و شهروندان است. فساد سیاسی یعنی استفاده از قدرت سیاسی جهت تحقق اهداف شخصی و نامشروع و تازمانی که قدرت وجود نداشته باشد از فساد سیاسی نیز اثری نخواهد بود. فساد قانونی یعنی وضع قوانین تبعیض آمیز به نفع سیاستمداران قدرتمند و طبقات مورد لطف دولت. فساد اقتصادی یعنی اعمال و رفتاری که باعث تکاثر ثروت و شکاف عمیق طبقاتی و اختلال در نظم اقتصادی می‌شود.

فساد اداری اشکال گوناگونی داشته و قانون شکنی‌های متعددی را در رابطه با فعالیت‌های دولت شامل می‌شود و برای آن تعاریف متعددی ارائه شده است از جمله: فساد اداری به سوء استفاده نهادینه شده شخصی از منابع عمومی به وسیله مستخدمان کشوری تعریف شده است. بنا به تعریفی دیگر فساد اداری حالتی در نظام اداری است که در اثر تخلفات مکرر کارکنان به وجود می‌آید و آن را از کارایی و اثربخشی مورد انتظار می‌اندازد.

هیدن هیمر - محقق علوم سیاسی، فساد اداری را به سه دسته سیاه، خاکستری و سفید تقسیم می‌کند. فساد اداری سیاه بر عملکرد یا رفتاری دلالت دارد که از نظر مردم و نخبگان سیاسی منفور است و عامل آن باید تنبیه شود. فساد اداری خاکستری حاکی از عملکرد یا رفتاری است که تنها نخبگان سیاسی به مضر بودن آن معتقدند و فساد اداری سفید به عملکرد یا رفتاری اشاره دارد که ظاهراً مخالف قانون است اما از نظر اعضای جامعه آن قدر مضر و با اهمیت نیست که مستلزم تنبیه عامل آن باشد.

به طور کلی با توجه به تعاریف فوق می‌توان تعریف کاملتری از فساد اداری به صورت زیر ارائه داد: فساد اداری چهار گروه از اقدامات در ارتباط با فعالیت‌های دولت را شامل می‌شود:

- ۱- اقدامات اشخاص خصوصی در جهت جلب همکاری یک فرد شاغل در دولت.^۲
- ۲- اقدامات اشخاص شغال در داخل دولت برای دریافت پول کالا یا خدمات با ارزش از اشخاص حقوقی
- ۳- خودداری یا کندکاری یک مسئول دولتی در انجام وظایف قانونی در قبال ارباب رجوع به منظور دریافت پول، کالا یا خدمات از آنها.
- ۴- اقدامات دولت در داخل به منظور جلب منافع نقدی و غیر نقدی برای خود، خویشاوندان و دوستان از طریق نقض یا تغییر مقررات و قوانین.

۱. علل بروز فساد اداری

فساد مستلزم وجود دو عامل قصد نیت و تمایل به ارتکاب و فرصت یعنی مهیا بودن شرایط محیطی است. بررسی‌های صورت گرفته بر روی پدیده فساد اداری حاکی از گسترده بودن عوامل موثر در بروز این پدیده دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- سطح حقوق و مزایای کارکنان: می‌توان تفاوت حقوق و مزایای کارمندان دولت در مقایسه با

یکی از فعالیت‌های دولت که باعث تشویق فساد می‌شود، محدودیت آزادی اقتصادی است. هر چه محیط بازار کمتر رقابتی باشد، میزان فساد از طریق ترغیب کارکنان دولت به اخذ سهمی از رانت‌های اقتصادی از راه رشوه بیشتر خواهد شد. البته ممکن است فقدان رقابت ناشی از فساد سیاستمداران باشد که به خاطر منافع شخصی از انحصارات حمایت می‌کنند.

بخش خصوصی و سایر شهروندان و هم چنین عدم تناسب حقوق پرداختی با هزینه‌های زندگی و تورم را یکی از مهمترین دلایل پیدایش فساد اداری معرفی کرد. تورم؛ فضایی نامطمئن در جامعه به وجود می‌آورد که در آن اعمال خلاف اخلاقی و فساد رواج می‌یابد و در نهایت بر ثبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه صدمه وارد می‌کند.

۲- میزان مداخله دولت در ارائه کالا و خدمات (دولتی بودن اقتصاد): دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی در نقش‌های توزیعی و تولید فرصت‌های زیادی برای سودجویی، رانت جویی و اخاذی توسط کارکنان بخش عمومی فراهم می‌آورد. البته آنچه که باعث ایجاد فرصت‌های ارتکاب فساد اداری می‌شود؛ نفس حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی نیست بلکه سیاست‌های قیمت گذاری (ایجاد اختلال در مکانیزم بازار) و استفاده از روش‌های اداری است که باعث افزایش فساد می‌گردد.

۳- روابط خویشاوندی (خویشاوند سالاری): در جوامع گرم مانند ایران و بسیاری از جوامع در حال توسعه که علایق و روابط خویشاوندی بسیار شدید است، اعضای خانواده و دوستان یک کارمند دولتی از او انتظار دارند که معیارها و ضوابط را نادیده گرفته و بین ارباب رجوع آشنا و غریبه تبعیض قایل شود.

در این جوامع انتصاب و اختصاص پست‌های سازمانی بر مبنای خویشاوندسالاری یا رشوه به صورت امری عادی در آمده و تئانی بین افراد متمول، سیاستمداران و عوامل بوروکراسی اداری برای عبور از فیلترهای نظام اداری، یک جریان پذیرفته شده است که نتیجه آن بروز فساد، به ویژه در سطح کلان جامعه می‌باشد.

۴- افراط در وضع قوانین و محدود کردن فعالیت‌های بخش خصوصی از طریق این قوانین: به دلیل محدودیت‌های و پیچ و خم‌های اداری و کاغذ بازی و همچنین برخی مقررات پیچیده که تفسیر آنها مشکل است، مقاماتی که باید موافقت‌ها را اعلام و یا مجوزهایی را صادر کنند و متقاضیان و مراجعینی که این مقررات را سد راه خود می‌دانند با نوعی فساد آن را از مسیر عادی و قانونی خارج کرده و به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند.

۵- نقض تشکیلات و سیستم نظارتی سازمان‌ها و واحدهای اداری: واحدهای نظارتی و کنترلی هر اداره، تحت حمایت مسئول آن اداره قرار دارند که با توجه به بهره‌وری از فرصت‌های موجود، سعی دارند در کشف فساد و سوء استفاده‌ها، مصلحت

هنگفتی بر جامعه تحمیل می‌کند.

- فساد اداری باعث کند شدن رشد اقتصادی می‌شود، زیرا انگیزه سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش می‌دهد.

- فساد اداری سبب قهقراپی و پسروری فعالیت‌های خدماتی و تجاری انجام شده توسط شرکت‌های کوچک می‌شود و فعالیت‌های اقتصادی مهم را به انحصار بخش دولتی یا خصوصی (افراد با نفوذ و وابستگی به قدرت) در آورده و به طور کلی "ساختارهای انحصارطلبی" را تقویت می‌کند.

- فساد اداری از درجه مشروعیت دولت‌ها می‌کاهد و ثبات و امنیت جوامع را به خطر می‌اندازد، هم چنین ارزش‌های دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش می‌سازد و از این طریق مانع توسعه سیاسی و اجتماعی می‌شود.

- فساد اداری موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اداره سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید به آینده‌ای بهتر شده و مشروعیت اخلاقی دولت را زیر سوال می‌برد و در نتیجه سبب کاهش اعتماد عمومی و مقبولیت اجتماعی حکومت می‌گردد.

۳. نظام اقتصادی و فساد اداری

ساختار نظام اقتصادی جامعه، در تعامل مستقیم با فساد اداری است. از جمله مهمترین متغیرهای مرتبط با فساد عبارتند از: میزان فاصله طبقاتی، نحوه توزیع درآمدها و منابع تولید درآمد، نرخ درآمدها و توان مالی دولت‌ها در تامین کارکنان و سرانجام منابع درآمد دولت (تک محصولی بودن یا نبودن). مورد اخیر باعث متمایل شدن منابع و امکانات به سوی یک بخش و در نتیجه به وجود آمدن نوعی بی‌عدالتی در سایر بخش‌ها می‌شود که زمینه را برای بروز فساد فراهم می‌کند. یکی از ویژگی‌هایی که هر نظام اقتصادی را مستعد پرورش یا عدم پرورش فساد می‌کند، میزان دولتی بودن اقتصاد است.

دولت‌ی بودن اقتصاد باعث تمرکز در تصمیم‌گیری، تخصیص بودجه، اعطای امتیازات اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی و هم چنین گسترش نظام اداری و ناکارآمد شدن آن می‌شود.

یکی از فعالیت‌های دولت که باعث تشویق فساد می‌شود، محدودیت آزادی اقتصادی است. هر چه محیط بازار کمتر رقابتی باشد، میزان فساد از طریق ترغیب کارکنان دولت به اخذ سهمی از رانت‌های اقتصادی از راه رشوه بیشتر خواهد شد. البته ممکن است فقدان رقابت ناشی از فساد سیاستمداران باشد که به خاطر منافع شخصی از انحصارات حمایت می‌کنند. مداخلات دولت در فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود که دولت در بسیاری از موارد نقش تولیدکننده یا توزیع کننده کالاهای صنعتی را داشته باشد. دولت به بسیاری از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی یارانه زیادی اختصاص داده و کسب رانت می‌تواند سود سرشاری داشته باشد. هم شهروندان متقاضی کالاها و خدمات و هم کارکنان مسئول، از فرصت‌هایی که روش توزیع دولتی برای کسب منافع از طریق رانت ایجاد می‌کند؛ آگاه هستند. واضح است هر قدر میزان مداخله

دولت در فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی، سیاست‌های قیمت‌گذاری، و دخالت در مکانیزم بازار که باعث ایجاد صف و بازار سیاه می‌شود، عامل مهمی در جرایمی مانند ارتشا به حساب می‌آید. این مداخلات به طور گسترده‌ای افزایش فساد را به دنبال دارد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که بین فساد اداری و ضعف در حاکمیت قوانین همبستگی قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. در کشورهایی که میزان مالکیت اقتصادی دولت بالا، مالیات و مقررات تجاری زیاد و اعمال اختیاری و خودسرانه قوانین و محدودیت‌های تجاری فراوان و قوانین و فرآیندهای بودجه ریزی ناکارآمد هستند؛ فساد بیشتر است.

حاکمیت اقتصادی دولت ۳ محور گسترده دارد:

۱- مداخله و مقررات بیش از حد دولت: اولین بعد حاکمیت دولت در فعالیت‌های اقتصادی نمایان می‌شود. ایجاد مقررات بیش از حد برای بخش خصوصی و اتخاذ برنامه‌های ترویجی هم چون محدودیت‌های مربوط به نرخ ارز و تجارت، کنترل قیمت‌ها، اعطای اعتبارات و معافیت‌های مالیاتی از جمله این مداخلات است که برای کارکنان دولتی فرصت‌آخز رشوہ از کسانی که از این روش‌ها ترجیحی یا تبعیضی منتفع می‌شوند را می‌دهد.

۲- ضعف در مدیریت و پاسخگو نبودن: عدم ارتباط تنگاتنگ دولت‌ها با بخش‌های اقتصادی از جمله شرکت‌های خصوصی، کافی نبودن حقوق کارمندان دولت، عدم کارایی کارکنان دولت، شفاف نبودن بودجه، عدم کنترل هزینه‌های دولتی و نبودن نظام مالیاتی کارآمد، سبب فراهم شدن زمینه بروز فساد می‌گردند.

۳- بی‌ثباتی محیط فعالیت‌ها: بعد سوم حاکمیت اقتصادی دولت مستلزم ایجاد محیط رقابتی با ثبات و مبتنی بر قانون برای دستیابی به بازارهای کارآمد است. نبود چنین محیطی باعث افزایش فساد و هم چنین کاهش سرمایه‌گذاری از جمله سرمایه‌گذاران خارجی خواهد شد.

به این دلیل یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با فساد و محدود ساختن فعالیت‌های اقتصادی دولت، تشویق بخش خصوصی به مشارکت در فعالیت‌ها از طریق آزادسازی اقتصادی است. در این خصوص ویتواتانزی -یکی از صاحب‌نظران برجسته در این زمینه- معتقد است که تجارت آزاد مطلوب در نهایت باید میزان فساد اداری را کاهش دهد (تانزی، ویتو).

آزادسازی اقتصاد شامل مجموعه‌ای از اقدامات به منظور برداشتن کنترل‌های مالی از بازارهای مالی، کالا و خدمات، فعالیت‌های بخش تجارت خارجی و واگذاری آن به مکانیزم بازار می‌باشد. برخی از آن اقدامات عبارتند از: آزادسازی قیمت و تعیین قسمت توسط بازار، حذف یا تعدیل و هدفمند کردن یارانه‌ها، خصوصی سازی، تغییر رسمی ارزش پول، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی و ... همانطور که عنوان شد از جمله راه‌های آزادسازی اقتصاد خصوصی سازی است که می‌تواند با خارج ساختن دارایی‌های خاصی از کنترل دولت و تبدیل اقدامات ترجیحی مقامات به انتخاب‌های مبتنی بر بازار توسط

بازار از میزان فساد اداری بکاهد.

۴. تأثیر خصوصی سازی بر فساد اداری:

یکی از راهکارهای اثر بخش در جهت محدود ساختن انحصارات دولتی، تشویق مردم به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، گسترش رقابت مبتنی بر مکانیزم بازار، جلوگیری از دخالت مسوولان سیاسی کشور در شرکت‌های دولتی و فساد مالی مربوط و هم چنین جلوگیری از شیوع فساد ناشی از انحصارگری، رانت جویی و بوروکراسی ناکارآمد، انتخاب استراتژی خصوصی سازی است. بانک جهانی از جمله نهادهای بین المللی است که خصوصی سازی را به عنوان یکی از موثرترین روش‌ها برای کاهش فساد اداری در کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نموده است و معتقد است برای مبارزه با فساد اداری بهتر است تعداد کمتری مسوول دولتی با حقوق و مزایای کافی، فقط آن اموری را مدیریت کنند که واقعاً نیازمند کنترل دولتی است و از قابلیت کنترل نیز برخوردار است. ایده اصلی در تفکر خصوصی سازی این است که فضای رقابت و سیستم حاکم بر بازار، بنگاه‌ها و واحدهای خصوصی را مجبور می‌سازد تا عملکرد کارتری نسبت به بخش دولتی داشته باشند، بر پایه این ایده تعاریف و مفاهیم متعددی از خصوصی سازی ارائه شده است. بیس لیتل و "چاپلید" معتقدند که خصوصی سازی وسیله‌ای برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است در صورتی که حداقل ۵۰ درصد از سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار می‌گردد

ولجانوسکی، خصوصی سازی را به معنای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی با انتقال مالکیت دارایی‌ها به بخش خصوصی می‌داند. خصوصی سازی در شکل ظاهری فرآیندی است که طی آن وظایف و تاسیسات بخش دولتی در هر سطحی به بخش خصوصی انتقال داده می‌شود، اما در مفهوم حقیقی به اشاعه فرهنگی در کلیه سطوح جامعه اطلاق می‌گردد که دستگاه‌های قانون‌گذاری، قضائیه و مجریه و تمامی احاد یک کشور "باور" نمایند که کار مردم را باید به "مردم" واگذاشت.

بسیاری از مسائلی که به عنوان اهداف خصوصی سازی اعلام می‌شوند ممکن است توجیهی بر ضرورت خصوصی سازی و یا آثار آن باشند. به طور کلی اهم اهداف و آثار خصوصی سازی عبارتند از: کاهش اندازه بخش دولتی، انتقال مالکیت و کنترل اقتصادی، افزایش کارایی اقتصادی، کاهش کسر بودجه و بدهی‌های ملی، تعدیل یارانه‌ها و اختلاف قیمت‌ها، تعدیل مقررات، افزایش رقابت، ایجاد دلبستگی و علاقه در شاغلین شرکت‌ها، گسترش بازار سرمایه، توزیع مناسب درآمد، تامین منافع مصرف‌کنندگان و غیره.

نکته مهم در فرآیند خصوصی سازی این است که معمولاً تصمیم‌گیرندگان اصلی از سیاستمداران هستند و این افراد از منافع کسانی حمایت می‌کنند که برای آنها بیشترین سهم را در روی کار آمدن و باقی ماندنشان داشته‌اند.

اگر خصوصی سازی با توسعه مشارکت‌ها و نظارت‌های

مردمی و موثر همراه نباشد دو فاجعه اساسی به بار می‌آورد: نخست تمرکز ثروت و سرمایه به نفع گروه‌ها و نهادهای خاصی و به زیان توسعه همگانی و دوم گسترش فساد اداری، ارتشا و اختلاس، بنابراین در فرآیند خصوصی سازی توجه به چند نکته ضروری است:

۱- منظور از خصوصی سازی، اختصاص سازی نیست که در آن اموال عمومی به نفع عده‌ای خاص به یغما برده شود.

۲- منظور از خصوصی سازی جایگزین کردن انحصار خصوصی به جای انحصار دولتی نیست.

۳- هدف از خصوصی سازی کاستن از بار مالی دولت و آزادسازی منابع عمومی است.

۴- هدف از خصوصی سازی افزایش کارایی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی است.

۵- هدف از خصوصی سازی تشویق و گسترش مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی است.

همچنین توان و انرژی مالک یا مالکین جدید شرکت، تعهد و توانایی آنها برای گسترش فعالیت‌های شرکت به وسیله سرمایه‌گذاری‌های جدید، استفاده از تکنولوژی تازه، پیدا کردن بازارهای جدید برای محصولات شرکت و استفاده از جمله عوامل مهمی هستند که در فرآیند خصوصی سازی باید به آنها توجه کافی مبذول داشت بدون تردید کاهش تصدی‌گری دولت بر فعالیت‌های اقتصادی جز با واگذاری شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دولتی میسر نیست، اما باید توجه داشت که تنها هدف خصوصی سازی کسب درآمد برای دولت نیست و ملاحظات اخلاقی و انسانی حکم می‌کند که به تقویت و گسترش سازمان‌های تامین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی برای نیروی کار مازاد بر نیاز شرکت‌های دولتی نیز اهمیت بیشتری داده شود.

البته این نکته نیز حائز اهمیت است که به دلیل ترس از فشارهای سیاسی و خطر از دست دادن قدرت اقتصادی و سیاسی و کنترل شرکت‌ها، فرآیند خصوصی سازی با مقاومت‌هایی رو به روست. بنابراین اتخاذ تدابیر لازم جهت غلبه بر این مقاومت‌ها ضروری است.

خصوصی سازی هم یک استراتژی ضد فساد و هم منبع بالقوه‌ای برای درآمدهای فاسد است و اصلاح‌گران باید فرآیندی را طی کنند که انگیزه‌های رانت خوایی باقی مانده را کاهش دهد و این فرآیند نیازمند مشارکت گسترده به جای جانب‌داری از ائتلاف‌ها است و باید با شفافیت بیشتری به خصوص در ارزیابی دارایی‌ها صورت گیرد کافمن و سیگل‌بایوم، معتقدند که خصوصی سازی مبتنی بر سند هزینه و تسویه حساب کمتر در معرض فساد قرار دارند، ولی هنگامی که خصوصی سازی به شیوه خریداری توسط مدیریت و کارکنان همان شرکت صورت می‌گیرد زمینه گسترش فساد و سوء استفاده فراهم می‌شود.

اگر چه واگذاری شرکت‌های دولتی به مردم از طریق مزایده و فروش‌های تجاری به کندی و با سرعت کم انجام می‌شود اما با شفافیت و مدیریت مناسب متعادل می‌شود و لازم است دولت‌ها در فرآیند خصوصی سازی بین سرعت و فرآیند واگذاری و انتقال که از نظر مردم قانونی و مشروع می‌باشد توازن و تعادل

برقرار کنند.

نتیجه‌گیری

فساد اداری از جمله پدیده‌های سازمانی است که روند توسعه کشورها را به طور چشمگیری با مشکل رو به رو می‌سازد. فساد می‌تواند علل مختلف اداری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی داشته باشد و به دلیل نقش و تأثیرات منفی زیادی که بر کارایی و اثربخشی نظام اداری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دارد، همواره مورد توجه دولت‌ها و نهادهای بین المللی بوده و هست. گسترش فساد اداری در جامعه سبب کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، کاهش درآمدهای دولت، افزایش هزینه زندگی و تورم، کاهش رشد اقتصادی، توزیع ناعادلانه درآمد و ... می‌گردد. این امر ضرورت اتخاذ راه حل‌های مناسب برای مهار و کنترل آن را نمایان می‌سازد.

مهمترین عامل موفقیت در مبارزه با فساد اداری، عزم و اراده سیاسی و حمایت مقامات ارشد دولت از برنامه مبارزه با فساد است. روش‌های مختلف برای مبارزه با فساد اداری ارائه شده است که خصوصاً سازی و کاهش تصدی‌گری دولت بر فعالیت‌های اقتصادی یکی از این روش‌ها است زیرا بین آزادی اقتصادی و کاهش فساد اداری در شرایطی که قیمت‌ها مغشوش و مداخلات گسترده دولتی در فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد، گسترش می‌یابد. امروزه ملاحظات تجاری و ناکارآمدی شرکت‌های دولتی، اراده دولت جهت کوچک سازی و کاهش تصدی‌گری دولت، خصوصی سازی را امر اجتناب ناپذیر ساخته است. خصوصی سازی از طریق ایجاد رقابت، کاهش قدرت انحصاری کارکنان دولت، افزایش شفافیت و پاسخگویی مسوولین و حذف انحصارات و محدودیت‌های گسترده و زائد حاکم بر بخش‌های بازرگانی، مالی، ارزی و گمرکی، باعث رشد اقتصادی و کاهش فساد اداری می‌گردد.

نکته مهم در خصوصی سازی این است که گرچه استراتژی خصوصی سازی به عنوان راهکاری برای کاهش فساد اداری، افزایش کارایی و بهره‌وری، کاهش تصدی‌گری دولت، آزادسازی اقتصادی، تشویق شهروندان به مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه تلقی می‌شود اما اگر فرآیند خصوصی سازی به شیوه صحیح و منطقی و همراه با نظارت‌های دقیق قانونی انجام نشود، خود به ابزاری برای گسترش فساد تبدیل خواهد شد، ولی در صورتی که پس از بررسی‌های کارشناسی و انجام رویه‌های قانونی، تصمیم به واگذاری شرکت‌های دولتی گرفته شود، فرآیند خصوصی سازی با کمترین ریسک در جهت توسعه اقتصادی و تامین منافع مالی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تحقق می‌یابد.

منابع و مآخذ در دفتر نشریه موجود است.

تصحیح و پوزش:

به اطلاع خوانندگان محترم می‌رساند که در مصاحبه شماره گذشته با شرکت امکو ایران، دکتر رضا خراسانی زاده - عضو هیات مدیره و قائم مقام مدیر عامل - می‌باشند که به اشتباه مدیر عامل چاپ شده بود.